



# RahaiZan.Org

## سازمان رهایی زن

The Organization for Emancipation of Women

نشریه ماهانه:

3rd. Series, Issue 124

سری سوم، شماره ۱۲۴

September 2024

مهر و آبان ۱۴۰۳

سرمدیر: مینو، همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati  
E-mail: minohemati@gmail.com

مدیرمسئول: شراره رضائی

Managing editor: Sharareh Rezaei  
E-mail: shararehrezai.p@gmail.com



### مطالب

آزادی برای ایران: به مناسبت دومین سالروز کشته شدن مهسا (ژینا) امینی **مریم مرادی**

چه کسانی شرافتمندانه در زندان ها ایستاده اند؟ **شراره رضائی**

بیانیه اقدام مشترک و تشکل های مستقل زنان در محکومیت فاجعه معدن طبس!

صدای جنبش #ته به اعدام از داخل زندان ها **محمد آصفی**

بیانیه اقدام مشترک و تشکل های مستقل زنان علیه مجازات اعدام در همبستگی با کارزار سه شنبه های "ته به اعدام"

در مقابله با سرکوب سیستماتیک در ایران باید مبارزه برای گسترش عدالت و آزادی را جایگزین نمود! **توفیق محمدی**

چرا به دیدار فائزه هاشمی نرفتم **ریحانه انصاری نژاد** "فعال کارگری محبوس در زندان" در حاشیه یک دیدار (همه با هم برای؟)

حمایت از اعتصاب پرستاران در ایران، گفتگو با پروانه عظیمی

**سروناز احمدی**، دست به "اعتصاب دارو زده" و جانش در خطر است، صدایش باشیم

تداوم محرومیت از ملاقات **آیضا اسداللهی**، فعال کارگری زندانی در زندان اوین، خانواده

مجموعه گزارشات بزرگداشت دومین سالگرد قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی و تولد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی

"آن که می‌خندد، هنوز خبر هولناک را نشنیده است." **شراره رضائی**

### ستون آزاد: "نیمرخ"

- اعتراض خیابانی زنان تخار با شعار: "ته به تبعیض و مرگ بر طالبان"

اطلاعات راه های ارتباط با سازمان رهایی زن، برنامه ی تلویزیونی و سایت ها و رسانه هایی که می توانید ما را دنبال کنید

## مرک کارگران، حادثه نیست، قتل عمد است

## #مرگ\_کارگران\_سود\_سرمایه

## #معدن\_طبس



### به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.  
Markazi@RahaiZan.org

## آزادی برای ایران: به مناسبت دومین سالروز کشته شدن مهسا (ژینا) امینی مریم مرادی



دومین سالروز کشته شدن مهسا (ژینا) امینی فرا رسیده است. دختر ۲۲ ساله اهل سقز که بعنوان مسافر به تهران آمده بود، عصر روز سه‌شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ در نزدیکی ایستگاه متروی شهید حقانی توسط گشت ارشاد جمهوری اسلامی به دلیل رعایت نکردن "حجاب اجباری" بازداشت شد و در روز ۲۵ شهریور کشته شد. این رویداد مهم در تاریخ مبارزات ایران به نماد اعتراضات گسترده‌ای تبدیل شد که خواهان تغییرات بنیادی در ایران بود. تغییراتی که حول محور آزادی، برابری، و احترام به حقوق بشر است. اکنون، با گذشت دو سال از این واقعه، خواست آزادی برای ایران همچنان به عنوان یک شعار کلیدی در اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی مطرح است.

بیش از چهار دهه است که مردم ایران تحت ظلم و ستم حکومتی مبتنی بر استبداد دینی جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند؛ نظامی که پس از روی کار آمدن از سال ۱۳۵۷ با وعده‌هایی چون عدالت، آزادی و استقلال به قدرت رسید اما به تدریج به سیستمی بدل شد که سرکوب آزادی‌های فردی و اجتماعی، تبعیض‌های گسترده، جنایت و فساد دولتی از ویژگی‌های بارز آن شد. اکنون، پس از سال‌ها تجربه‌ی محدودیت‌های سخت‌گیرانه و سرکوب‌های سیاسی و اجتماعی و فردی، بسیاری از ایرانیان خواستار پایان دادن به استبداد دینی و بازگشت به حکومتی هستند که به آزادی، حقوق بشر، و خواست عمومی احترام بگذارد. آزادی، خواسته‌ای بنیادین مردم ایران است در تمامی جنبه‌های زندگی. از آزادی بیان و اندیشه گرفته تا آزادی زنان در انتخاب نوع پوشش و حضور در اجتماع که به شکلی گسترده در جامعه ایرانی ریشه دوانده است. اعتراضات پس از قتل حکومتی مهسا

(ژینا) امینی نشان داد که مردم ایران از همه نسل‌ها، از تمام طبقات مختلف اجتماعی و از مناطق مختلف کشور، همگی به دنبال آزادی هستند؛ آزادی از سرکوب، آزادی از تبعیض، و آزادی از ظلم و خشونت استبداد دینی. یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های جمهوری اسلامی، تلفیق دین و سیاست است که به استبداد دینی منجر شده است. در این سیستم، قوانین مذهبی و احکام شرعی به عنوان معیارهایی برای تعیین قوانین اجتماعی و سیاسی کشور به کار گرفته می‌شوند. این ترکیب قدرت دینی با دولت، منجر به محدودیت شدید آزادی‌های فردی شده است؛ از جمله آزادی بیان، آزادی پوشش، آزادی بیان و اندیشه و حتی آزادی انتخاب سبک زندگی است. تحمیل حجاب اجباری و محدودیت‌های گسترده علیه زنان یکی دیگر از ویژگی‌های بارز استبداد دینی در نظام جمهوری اسلامی است. زنان در ایران نه تنها از حق انتخاب پوشش خود محرومند، بلکه در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی نیز با تبعیض‌های ساختاری هم مواجه هستند. مبارزه برای حق انتخاب پس از کشته شدن مهسا (ژینا) امینی، آزادی زنان به یکی از اصلی‌ترین محورهای جنبش اعتراضی در ایران تبدیل شد. زنان ایران با شجاعت بی‌نظیر خود به خیابان‌ها آمدند، حجاب از سر برداشته و با سرکوب‌های شدید مواجه شدند. آنها با شعار "زن، زندگی، آزادی" نه تنها خواستار پایان دادن به قوانین محدودکننده حجاب اجباری بودند، بلکه به دنبال تغییرات عمیق‌تر و گسترده‌تری در وضعیت اجتماعی و حقوقی زنان بودند. زنان ایرانی در این مبارزه نشان دادند که دیگر حاضر نیستند به عنوان شهروندان درجه دوم در جامعه زندگی کنند و برای حق انتخاب خود در تمامی جنبه‌های زندگی تلاش می‌کنند.

نظام جمهوری اسلامی، دشمن سرسخت آزادی بیان است چون با هر نوع انتقاد از دولت، نظام سیاسی و رهبران مذهبی اغلب به حبس، شکنجه و حتی اعدام منجر می‌شود. رسانه‌ها به شدت تحت کنترل این حکومت هستند و فضای مجازی نیز با سانسور و فیلتر و تحت نظارت شدید هستند. بسیاری از روزنامه‌نگاران، نویسندگان و فعالان سیاسی به دلیل اظهار نظرهای خود زندانی شده یا مجبور به ترک کشور شده‌اند. جمهوری اسلامی خود را به عنوان یک حکومت شیعه دوازده‌امامی معرفی می‌کند و به همین جهت، تنوع اعتقادی و آزادی مذهب را به رسمیت نمی‌شناسد. هرگونه انحراف از ایدئولوژی رسمی این حکومت

سرکوبگر و ضد انسانی، با برخورد شدید مواجه می‌شود. پیروان سایر ادیان، به ویژه بهائیان، مسیحیان و سنی‌ها با محدودیت‌های گسترده‌ای در زمینه‌های فعالیت‌های اجتماعی و حتی عبادی روبرو هستند. چیزی بنام آزادی انتخاب دین و یا تغییر مذهب در این نظام وجود ندارد و ارتداد به عنوان یک جرم تلقی می‌شود.

نظام جمهوری اسلامی بر پایه نهادهای غیرانتخابی مانند ولی فقیه و شورای نگهبان بنا شده است که بخش عمده‌ای از قدرت سیاسی را در دست دارند و به طور مستقیم بر سرنوشت کشور و مردم تأثیر می‌گذارند. این نهادها، بدون پاسخگویی به مردم، قوانین و سیاست‌های کلان کشور را تعیین می‌کنند و انتخابات در جمهوری اسلامی محدود به گزینش از میان نامزدهای تایید شده توسط نهادهای حاکم بویژه رهبری است. یعنی مردم عملاً از حق انتخاب آزاد محروم هستند. علاوه بر این، فساد و جنایات گسترده‌ی این حکومت به یکی از عمده‌ترین معضلات در کشور تبدیل شده است. نهادهای قدرتمندی مانند سپاه پاسداران و بنیادهای مذهبی که تحت نظارت مستقیم رهبری قرار دارند، بخش بزرگی از اقتصاد کشور را در دست گرفته‌اند و از ارائه هرگونه شفافیت و پاسخگویی نیز مصون هستند. خوشبختانه در سال‌های اخیر، اعتراضات مردمی علیه نظام جمهوری اسلامی شدت گرفته است. مردم به شدت از سرکوب‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به ستوه آمده‌اند و یکصدای خواستار تغییرات بنیادی هستند. کشته شدن مهسا (ژینا) امینی و جنبش «زن، زندگی، آزادی» نشان داد که مردم ایران به دنبال حکومتی هستند که به حقوق بشر احترام بگذارد و از دخالت دین در سیاست دست بردارد.

اگرچه مبارزات مردم ایران در دهه‌های گذشته بارها با سرکوب مواجه شده است اما شعله آزادی‌خواهی همچنان در دل‌ها روشن مانده است. خواست مردم ایران برای آزادی بیان، آزادی انتخاب، و احترام به کرامت انسانی همچنان زنده است. جوانان، زنان، و طبقات مختلف اجتماعی اکنون بیش از هر زمان دیگری به این باور رسیده‌اند که برای دستیابی به آزادی واقعی باید نظام استبدادی و دینی جمهوری اسلامی نیست و نابود گردد. آزادی برای مردم ایران به معنای پایان دادن به یک استبداد دینی و برقراری یک حکومت دموکراتیک، مبتنی بر حقوق بشر و بازگشت به اصول عدالت و برابری است.

مردم ایران، با وجود سال‌ها سرکوب و محدودیت، همچنان با اراده‌ای قوی و امید به آینده‌ای روشن به مبارزه خود ادامه می‌دهند. آنان خواستار حکومتی هستند که نه تنها به آزادی‌های فردی و اجتماعی احترام بگذارد، بلکه به فساد و جنایات پایان دهد و عدالت را برای همه اقشار جامعه به ارمغان آورد. / به امید آزادی ایران

### چه کسانی شرافتمندانه در زندان‌ها

ایستاده اند؟ شراره رضائی



#فائزه\_هاشمی\_رفسنجانی بعد از لجن پراکنی علیه زندانیان سیاسی زن و خصوصاً زنان چپ، به یک هفته نکشید که دستمزدش را بعنوان سخنگو و دنباله رو راه لاجوردی‌ها، در آستانه ی جنبش #زن\_زندگی\_آزادی که دنیا را همراه خود کرد، با صدور حکم سرکوب و کشتار زندانیان سیاسی، از زندان آزاد شد. فائزه رفسنجانی برای تبرئه ی خودش، گفته که او نمی‌خواسته از زندان آزاد شود و او را

شاه معدوم که خود روزی بعنوان نماینده ی مجلس، ضد انسانی ترین قوانین را علیه زنان، علیه حقوق انسانی و شهروندی تصویب کرده، می‌ماند، در حالیکه در زندان از تمامی امکانات رفاهی و درمانی و... بهره مند بوده است.

خانم ستوده بعنوان یک وکیل خود می‌داند که اتهام زنی بدون اثبات از نظر قانونی جرم است، با این وجود برای فائزه رفسنجانی سینه چاک کرده و تمام قد از او حمایت میکند و از شرافت او حرف می‌زند.

آیا زنان و مردان زندانی که هر سه شنبه #علیه\_اعدام، این شنیع ترین قوانین قرون وسطایی، دست به #اعتصاب\_غذا می‌زنند، شرافتمندانه ایستاده اند یا فائزه رفسنجانی که از اعدام #محسن\_شکاری، هورا می‌کشد که حکومت جنایتکار چاره ای جز کشتار و اعدام ندارد! کاش به شرافتی که از آن دم می‌زنید باور داشتید./

به زور از زندان آزاد کردند! این درحالی ست که #سروناز\_احمدی حداقل دوبرار در هفته دچار حمله عصبی صرع می‌شود و باوجود گذراندن شانزده ماه از سه سال و نیم حبس خود از مرخصی درمانی محروم است و در اعتراض به این شرایط غیرانسانی برسر جانش ریسک کرده و دست به #اعتصاب\_دارو زده است. #سروناز\_احمدی که به جرم حمایت از کودکان کار، پنج سال از بهترین سال‌های عمرش را قرار است در سیاه چاله و شکنجه گاه های زندان‌ها سپری کند و در غیر انسانی ترین شرایط از امکانات حق درمان و دارو محروم است، خانم #نسرین\_ستوده، چشم بر تمام این ایستادگی‌ها، شرافت‌ها و زندانیان شریف امثال #سروناز\_احمدی، #آیسا\_اسداللهی، #ریحانه\_انصاری\_نژاد، #شریفه\_محمدی و ... بسته است و از #زینب\_جلالیان که تمام جوانی اش را بدون یک روز مرخصی گذرانده حرفی به میان نمی‌آورد. و تمام قد در کنار فرزند اکبر

### بیانیه اقدام مشترک و تشکل های مستقل زنان

در محکومیت فاجعه معدن طبس!



اقدام مشترک  
تشکل‌های مستقل زنان  
Collective Action of indep.  
Iranian Women Org

بیانیه اقدام مشترک تشکل های مستقل زنان  
در محکومیت فاجعه معدن طبس!

۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ - ۶ مهر ۱۴۰۳  
www.zanancollectiveaction.org

باردیگر در جمهوری اسلامی فاجعه ای به قتل و زخمی شدن ۵۱ کارگر انجامید. صاحبان معدن علیرغم هشدار کارگران به وجود گاز، بدون گاز سنجی کردن تونل‌ها، برای دستیابی به سود بیشتر آنان را به کام مرگ فرستادند و ده ها خانواده را نابود کردند. برای صاحبان سرمایه، ۵۱ فقط یک عدد است. اما خیزش

- انقلابی ژن ژیان نازادی به ما آموخته که در دفاع از حق زندگی در همه ابعاد آن برخیزیم. این فاجعه نه "تصادف" بود و نه "سانحه حین کار". تنها در سال ۱۴۰۲، حدود ۲۱۱۵ کارگر در محل کار جان باختند و ۲۷ هزار کارگر دچار جراحات شدند. برای ما این ارقام تنها عدد نیستند، بلکه بیانگر جان‌هایی هستند که قربانی منفعت طلبی و استثمار سرمایه شده اند.
- جمهوری اسلامی برای پنهان کردن جنایاتش و بعنوان وکیل کارفرمایان بخش خصوصی، کسانی را که برای پایان دادن به بهره‌کشی و ستم مبارزه می‌کنند، مجازات میکند.
- مانند مورد شریفه محمدی، فعال کارگری که بجرم مبارزه اش برای یک جامعه انسانی و عادلانه به اعدام محکوم شده است.
- برای دادخواهی و عدم تکرار جنایت باید دادخواه همه قربانیان نظام ستم و بهره‌کشی باشیم. در پایان خواستار رسیدگی به وضعیت خانواده های کشته شدگان و محاکمه مسئولین فاجعه معدن طبس بوده و از همه انسان‌های آگاه می‌خواهیم که برای رسیدن به عدالت این فاجعه را پیگیری کنند.
- زن زندگی آزادی
- ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴
- انجمن باهم برای سلامتی زنان
- انجمن زنان آزاده ایرانی
- انجمن زنان ایرانی دالاس
- انجمن زنان ایرانی-آلمانی کلن
- انجمن زنان پرتو
- انجمن زنان مونترال
- جنبش می‌تو ایران
- دایره حقوق زنان ایرانی برای همکاری جهان (ICWIN)
- زنان برای آزادی و برابری پایدار
- زنان کنشگر ایرانی در تبعید- برلین
- سازمان حقوق زنان، ایگرو
- (IKWRO)
- سازمان رهایی زن
- فمینیسم روزمره
- کالکتیو زن زندگی آزادی رم
- کمپین توقف قتل‌های ناموسی
- کمیته برابری جنسیتی همبستگی جمهوری خواهان ایران
- گروه اتحاد زنان چپ
- گروه آبیون از شمال کالیفرنیا
- گروه زنان در شمال کالیفرنیا
- گروه مطالعات زنان اورنج کانتی
- نهاد دگرباشان ماناو
- همایش زنان ایرانی هانوفر

## صدای جنبش #نه\_به\_اعدام از داخل زندان ها محمد آصفی



اوین در ماه‌های اخیر از قبیل قطع تلفن و گشوده شدن پرونده‌های جدید برای محبوسان آن، یا با یورش خشونت آمیز به این بند، با اقدام به بر هم زدن تجمع «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» حتی ذره ای ترس در دل این انقلابیون شجاع بیاندازد. ما مردم و همه جنبش‌ها باید از این بانوان شجاع و همچنین سه‌شنبه‌های اعتراضی حمایت کرده و به آن بپیوندیم و به رژیم جمهوری اسلامی نشان خواهیم داد که ظلم و ظالم پایدار نخواهد ماند. با تسلیت به خانواده جانباختگان حادثه ی طبس.

در فایل صوتی از داخل بند زنان اوین که در آن شماری از زندانیان با سرودخوانی و شعار در دومین سالگرد مهسا امینی، اعتراض خود علیه حکومت را شجاعانه بیان کردند، آنها همچنین به زبان‌های فارسی و کردی شعار «زن، زندگی، آزادی» (سر دادند، نام مهسا امینی را فریاد می‌زنند و بار دیگر مخالفت خود با حکم اعدام را اعلام کردند و بار دیگر به رژیم جمهوری اسلامی نشان دادند که خیزش سراسری «زن، زندگی، آزادی» زنده و پویاست، در مقابل جمهوری اسلامی نتوانسته با اعمال فشار در بند زنان زندان

گرفت. زنان زندانی در روز سوم مرداد ۱۴۰۳ در هواخوری زندان دست به تحصن زدند و حاضر نشدند شب را به بند برگردند. ناگفته نماند که زنان زندانی سیاسی این بند علیه رنج و تبعیض نسبت به زنان زندانی جامعه بهائی و زنان زندانی موسوم به زندانیان عادی نیز سکوت نکرده‌اند. بند زنان و مردان زندان لاکان رشت هم به اعتراضات گسترده زندانیان بندهای مختلف زندان قزل‌حصار و زندان مرکزی کرج و زندان شهرهای خرم‌آباد، خوی، نقده، سقز، تبریز، مشهد، قائمشهر، اردبیل، کامیاران، سلماس، ارومیه، بانه و زندان نظام شیراز پیوسته‌اند. اعتراضات زنان زندانی زندان وکیل آباد مشهد نیز علیه شرایط طاقت فرسای زندان و شکنجه و آزار روحی و جسمی زنان زندانی ادامه دارد. متأسفانه اطلاعات کافی از اعتراضات زندانیان در شهرستان‌های ایران در دست نیست.

ما ضمن همبستگی با مبارزات زنان زندانی سیاسی علیه مجازات و احکام اعدام، نگرانی عمیق خویش را نسبت به جان بسیاری از فعالین زن که پس از سرکوبهای گسترده جنبش زن زندگی آزادی در زندانهای ایران در بندند، اعلام می‌داریم. طبق آمار سازمان‌های حقوق بشری حداقل ۱۵ زن در خطر اجرای حکم اعدام قرار دارند. دو زن زندانی سیاسی به نام‌های وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمپاری نیز با اتهام «در خطر محکومیت به اعدام هستند. منابع حقوق بشری از اجرای حکم اعدام ۲۹ زندانی، در دو زندان قزل‌حصار و زندان مرکزی کرج خبر داده‌اند که به صورت گروهی به اجرا در آمده است. طبق آمار سازمان عفو بین‌الملل ۸۵۳ نفر و حداقل ۲۲ زن و ۲ کودک- مجرم سال گذشته در ایران اعدام شده‌اند که به این ترتیب ایران، رتبه شرم‌آور اول را در اعدام و اعدام زنان دارد. تا کنون دستکم ۹ تن از معترضان قیام ژینا اعدام شده و بسیاری زیر شکنجه جان باخته‌اند و حداقل ۴۸ نفر به خاطر شرکت در این اعتراضات در خطر دریافت و اجرای حکم اعدام قرار دارند. از ابتدای سال جاری

انجمن باهم برای سلامتی زنان  
انجمن باهم برای سلامتی زنان  
انجمن زنان آزاده ایرانی  
انجمن زنان ایرانی دالاس  
انجمن زنان ایرانی-آلمانی کلن  
انجمن زنان پرتو  
انجمن زنان مونترال  
جنبش می‌تو ایران  
دایره زنان ایرانی برای همکاری جهان (ICWIN)  
زنان برای آزادی و برابری پایدار  
زنان کنشگر ایرانی در تبعید- برلین  
سازمان حقوق زنان، ایکرو (IKWRO)  
سازمان رهایی زن  
فمینیسم روزمره  
کالکتیو زن زندگی آزادی رم  
کمپین توقف قتل‌های ناموسی  
کمیته برابری جنسیتی همبستگی جمهوری‌خواهان ایران  
گروه اتحاد زنان چپ  
گروه آبیون از شمال کالیفرنیا  
گروه زنان در شمال کالیفرنیا  
گروه مطالعات زنان اورنج کانتی  
نهاد دگرباشان ماناو  
همایش زنان ایرانی هانوفر



در آستانه دومین سال پس از یک خیزش انقلابی سراسری که با قتل حکومتی ژینا (مهسا) امینی رقم خورد، شاهد ایستادگی زنان زندانی سیاسی در بیش از ۱۸ زندان ایران هستیم که با به راه انداختن کارزاری بزرگ و مهم برای حق حیات می‌رزمنند. کارزار نه به اعدام اکنون بیست و نهمین سه‌شنبه‌های اعتراضی خود را پشت سر گذاشته است. زنان زندانی برای مقاومت خود در این امر مهم هزینه‌های سنگینی نیز پرداخته و می‌پردازند. از جمله می‌توان به حمله وحشیانه گارد زندان اوین در ۱۳ مرداد ۱۴۰۳ به زنان زندانی سیاسی معترض به اجرای حکم اعدام رضا رسایی که در اعتصاب غذا بودند، اشاره کرد که طی آن تعدادی از زنان زندانی شدیداً مجروح و روانه بهداری زندان اوین شدند. ۳۷ زن زندانی معترض به احکام اعدام ممنوع‌الملاقات شده‌اند. گفته می‌شود که تعدادی از زندانیان سیاسی بند زنان زندان اوین تحت فشار ماموران امنیتی قرار دارند تا علیه همبندیهای خود اعتراف اجباری کنند. هدف رژیم از این اقدام، تکذیب ضرب و شتم زنان معترض زندانی به اعدام رضا رسایی توسط گارد زندان اوین است.

اعتراضات بند زنان اوین از آغاز کارزار نه به اعدام در اعتراض به اعدام‌های روز چهارشنبه شروع شد و پس از صدور حکم اعدام برای دو فعال کارگری و فعال سیاسی کرد، شریفه محمدی و پخش‌شان عزیزی، در بند زنان اوین شدت بیشتری

**در مقابله با سرکوب سیستماتیک در ایران باید مبارزه برای گسترش عدالت و آزادی را جایگزین نمود! توفیق محمدی**



رژیم سرکوبگر ارتجاعی ایران برای بیش از چهار دهه به طور سیستماتیک زنان، کارگران، و دیگر نیروهای اجتماعی را از طریق زندان، شکنجه، تجاوز جنسی و اعدام مورد حمله قرار داده است. با این همه، در برابر اوج کشتار، اعتراضات هرگز متوقف نشده است. مبارزه بی وقفه از خیابان ها، محل کار و حتی از درون زندان ها، جایی که فعالان شجاع با رژیم به شدت مسلح سرپیچی می کنند، ادامه داشته و پایان نیذیرفته است! رژیم از اعدام به عنوان ابزاری برای گسترش ترس و سکوت اش استفاده می کند، به ویژه هدف قرار دادن زنان و کارگران مبارز فعالانی مانند شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمپاری از جمله فعالانی هستند که با مجازات اعدام

روبرو هستند. برای چه جرمی؟ جسارت ایستادن در برابر ظلم و مبارزه برای عدالت از نظر رژیم فاشیست اسلامی ایران جنایتی نابخشودنی است.

در درون دیوارهای زندان، زندانیان به مبارزه خود ادامه داده اند. زنان زندانی فریاد «نه به اعدام» سر می دهند و زندان ها را به سنگرهای مقاومت تبدیل کرده اند. آنها دریافته اند که تنها راه بقا و پیروزی، ادامه مبارزه، سازماندهی و تبدیل مبارزه خود به یک جنبش اجتماعی قوی است.

در یک پرونده اخیر، رضا رسایی در زندان دیزل آباد کرمانشاه اعدام شد. بسیاری از زندانیان دیگر به سلول های انفرادی منتقل شده اند و با اعدام فوری روبرو هستند. تنها در شش ماهه اول سال جاری حداقل 300 نفر اعدام شده اند. رژیم ترور ایران در تلاشی بی ثمر برای حفظ قدرت و سرکوب مخالفان، دست به اعدام می زند.

در برابر این نظام وحشیانه ما باید متحد و سازماندهی شده باشیم. ما نمی توانیم اجازه دهیم که زندگی های بیشتری توسط این رژیم قاتل از بین برود. اعتراضات و مبارزه با این نظام ضد انسانی باید تشدید و قدرتمندتر شود. نه جنبش زنان به سکوت رضایت داده است و نه جنبش کارگری خاموش شده است و می شود! اعتراضات بند زنان زندانی و اعتصابات و اعتراضات کارگری در بسیاری از مراکز صنعتی، تجمع و اعتراض هر روزه بازنشسته و پرستار و معلم و اعتراضات نسل جوان در

مراکز تحصیلی، گواه ناتوانی رژیم در "کنترل اوضاع داخلی" است صدور احکام اعدام و بالا نگاه داشتن شمشیر آن بر فراز سر زندانیان، فعالین حقوق زنان، فعالین کارگری و معترضین، قادر نشده است که جنبش حق زن، حق کارگر، حق زندگی شایسته انسان امروزی را، عقب بنشانند.

زمان آن فرا رسیده است که با تمام ابزارهای موجود، تلاش ها را در داخل و خارج از ایران هماهنگ کنیم. با اتحاد در کمپین های ضد اعدام و با انتشار اطلاعات این جنایات به مجامع بین المللی، می توانیم جان پخشان عزیزی، شریفه محمدی و همه افراد دیگری را که تهدید به اعدام هستند نجات دهیم. همچنین باید خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باشیم. قدرت ما در اتحاد و سازماندهی ماست! حمله به یکی از ما حمله به همه ما و کل طبقه ماست. مردم آزادیخواه با تمام توان و از هر طریق ممکن علیه اعدام و زندان و دستگیری و شکنجه قیام کنند. تا زمانی که این قاتلان و ظالمان را از قدرت در ایران سرنگون نکنیم دست از مبارزه نباید برداشت!

باید خواستار لغو فوری حکم اعدام برای هر فردی شد! چرا که الغای مجازات اعدام، دفاع از حق حیات یکایک انسان ها است.

**چرا به دیدار فائزه هاشمی نرفتم ریحانه انصاری نژاد "فعال کارگری محبوس در زندان"**



در حاشیه یک دیدار (همه با هم برای؟) در خیرها خواندم که گروهی از زنان با فائزه هاشمی دیدار داشته اند. دوستی پیشنهاد داد که کاش ما فعالین صنفی هم به دیدارش برویم. عکس دیدار با فائزه هاشمی را دیدم. داشتم فکر می کردم که آیا این دیدار خوب است یا بد؟ در حینی که به عکس و چهره ها دقت می کردم، در بخشی از عکس، تابلویی که روی دیوار بود توجهم را جلب کرد. روی تابلو نام هاشمی خطاطی شده بود. جوابم را گرفتم!

هاشمی سردار سازندگی، هاشمی نماد تعدیل ساختاری، هاشمی نماد قراردادهای موقت، تعدیل نیروی کارگران (بخوان اخراج محترمانه ای کارگران)، هاشمی نماد شرکت های پیمانکار نیرو (دلایان نیروی کار) و ... مسئله فرد فائزه هاشمی نیست (هر چند که حول خود او هم می شود زیاد صحبت کرد)، مسئله طبقه ای است که او به عنوان نماینده اش است. دیدن او یعنی چشم بستن بر همه ی روابطی که هاشمی نماینده ی آنان است.

من نمی دانم که مشکل زنانی که به دیدار فائزه هاشمی رفته اند با شرایط موجود چیست؟ یا خودشان در کجای جامعه قرار دارند؟ اما مشکل خودم و هزاران کارگر همانند خود را می دانم. من و هزاران کارگر شبیه من با عدم امنیت شغلی، شرکت های پیمانکاری، قراردادهای موقت، دستمزدهای زیر خط فقر، عدم دسترسی به بهداشت و درمان مناسب و رایگان، عدم دسترسی به آموزش و پرورش رایگان و مناسب برای فرزندانمان، عدم دسترسی به مسکن مناسب، تفریحات، ساعت کار کم و ... مشکل داریم.

صرف زندان رفتن فائزه هاشمی و مشکل داشتن او با شرایط موجود دلیلی کافی برای دیدار با او نیست. ما کارگران همبستگی ای با وی نداریم. مخالفت من با سیستم سرمایه داری است که فائزه هاشمی مشکلی با آن ندارد و اتفاقاً خاندان هاشمی نمایندگانی از این سرمایه داری در جمهوری اسلامی هستند. مخالفت من با همه ی کسانی است که این مرز را مخدوش می کنند. هر آن کس که با شرایط موجود مشکل دارد الزاماً کنار ما کارگران نمی ایستد. صرف زن بودن فائزه هاشمی دلیل نمی شود که کنار ما کارگران یا زنان طبقه ی کارگر باشد. او نماینده ی طبقه ای است که قرن هاست من و امثال من را استثمار می کنند، نه فقط در ایران، بلکه در همه ی دنیا.

او کنار ماکرون، بایدن، بوش، اردوغان، پوتین، بن سلمان، خاتمی، احمدی نژاد، رفسنجانی، رئیسی، رضا پهلوی، محمدرضا پهلوی و ... ایستاده است. برای من فائزه هاشمی و مسیح علینژاد در کلیت تفاوتی ندارند. یکی نماینده ی سرمایه داری با رویه ی مذهبی است و دیگری سرمایه داری با رویه ی غیرمذهبی (لیبرال). بنابراین از هر حرکت و هر فردی یا کنشی که این مرز و تقابل را مخدوش می کند باید فاصله گرفت.

آنان زن هستند اما زن در کلیتشان. در کدام سوی این جامعه ایستاده اند؟ نمی دانم. شعار زن-زندگی-آزادی می دهند. از خودم می پرسم کدام زن؟ کدام زندگی؟ کدام آزادی؟ اگر این کدامها را نتوانیم مشخص کنیم، آن موقع به دیدار فائزه هاشمی می رویم و تبدیل می شویم به همه با هم برای؟

## حمایت از اعتصاب پرستاران در ایران، گفتگو با پروانه عظیمی



<https://rahaizantv.blogspot.com/2024/08/support-nurses-strike-in-iran.html>

خبر کوتاه بود: پروانه ماندنی، ۳۲ ساله، پرستار بیمارستان «امام حسین» سپیدان، روز ۱۲ مرداد بعد از همراهی سه بیمار برای اعزام از این بیمارستان به یکی از بیمارستان‌های شیراز، به دلیل فشار کار زیاد که در پزشکی به آن «سندروم کاروشی» می‌گویند، جانباخت.

لیکن عمق فاجعه بسیاری اجباری، ناکافی بودن حقوق و مزایای از یک طرف، تعویق در پرداخت دستمزدها به یک کلام پرستار و پرسنل بهداشت و درمان در ایران اسلام زده اسیر جنگی به حساب می‌آیند. میزان بالای آمار خودکشی کادر درمان نوک کوه یخ این تراژدی است. در همه جای دنیا حرفه پرستاری بعنوان یکی از انسانی ترین حرفه ها مورد قدرانی مردم واقع میشود. حکومتها حتی برای حفظ ظاهر هم که شده به پرستاران و پرسنل درمان احترام میگذارند. و این فقط در حاکمیت اسلامی است که پرستار را بدلیل اعتراض به شرایط غیر انسانی شلاق میزنند.

بطور یقین از اعتصاب گسترده پرستاران در بسیار شهرهای ایران باخیر هستند.

در این برنامه از پروانه عظیمی کادر درمان با تجربه در ایالت تگزاس آمریکا و مبارز خستگی ناپذیر حقوق زنان و زحمتکشان دعوت کردیم تا شرایط کار، معیشت و مبارزه پرستاران در ایران را بررسی کنیم. پروانه عزیز به برنامه رهایی زن خوش آمدید.

## مینو همتی: قبل از هرچیز لطفاً بینندگان ما را با فعالیت و تخصص حرفه ای خودتان آشنا کنید.

در سال ۱۹۹۱ میلادی در رشته لیسانس پرستاری از دانشگاه شهرکرد در ایران فارغ التحصیل شدم و بعد از یک سال کار در بخش‌های جراحی و اورژانس به استخدام دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد درآمدم و با سمت کارشناس نظارت بر درمان در حوزه معاونت درمان دانشگاه مشغول به کار شدم بعد از ۱۰ سال به تهران منتقل شدم و در دانشگاه علوم پزشکی ایران با همین سمت مشغول به کار شدم که ارزیابی و درج‌بندی بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها، کلینیک‌های درمانی، بازرسی مطب پزشکان در حیطه کاری من بود که این سمت در آمریکا با نام جوین کامیشن (Join Commission) است. در سال ۱۹۹۹ بعد از ازدواج به آمریکا مهاجرت کردم در یکی از بیمارستان‌های دالاس در بخش‌های مراقبت‌های ویژه سی سی یو و آی سی یو مشغول به کار شدم. در سال ۲۰۱۴ اولین فوق لیسانس خود در رشته پرستاری را کسب کردم و با گروه نورالوژی، تخصص بیماری‌های مغز و سیستم عصبی به ویزیت و مداوای بیماران پرداخته‌ام. فوق لیسانس دوم خود را در زمینه پرستاری مراقبت‌های ویژه در سال ۲۰۲۳ به پایان رساندم. من همچنین یکی از اعضای هیئت مدیره فوق لیسانس‌های پرستاری در شمال دالاس از سال ۲۰۱۲ می‌باشم.

مینو همتی: تفاوت شرایط کاری پرستاران را در ایران و ایالت تگزاس مقایسه کنید. با این توصیف و با توجه به اینکه هر دو مکان سرشار از درآمد نفت هستند. بهتر است به مقایسه میزان درآمد و مزایای پرستاران در این دو بپردازید.

در اینجا وظیفه خود می‌دانم که قدرانی کنم از زحمات ارزشمند یکایک عزیزان زحمتکش کادر پرستاری و همچنین گرمی می‌دارم یاد پرستاران سخت‌کوش همچون پروانه ماندنی، مرضیه احمدی پرستار اتاق عمل بیمارستان شریعتی اصفهان، فاطمه مصیبه بناب پرستار بیمارستان آمل، و پرستاران عزیز دیگری که در دوران کرونا جان شیرین و عزیز خود را به دلیل شرایط سخت کاری از دست دادند و دیگر در بین ما نیستند. متأسفانه روزی نیست که خبر تاسف باری درباره پرستاری نشنوم. از شلاق خوردن به دلیل اعتراض به شرایط نامساعد کاری و مشکلات عمده‌ای که هر روز با آن درگیر هستیم، تا خودکشی کردن و مرگ ناگهانی‌شان در سال‌های اخیر و قربانی شدن آنها به دلیل ناکارآمدی دولت و سکوت مرگبار مسئولان!

سندروم کاروشی (Karoshi) اصطلاحی است که در ژاپن برای توصیف مرگ ناشی از کار بیش از حد و استرس شدید مرتبط با کار استفاده می‌شود. این سندروم به طور خاص به مواردی اشاره دارد که افراد به دلیل فشارهای کاری، ساعات طولانی کار، و استرس‌های مداوم، دچار مشکلات جدی سلامتی می‌شوند که در نهایت می‌تواند منجر به مرگ شود. قربانیان سندروم کاروشی ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ ساعت در سال کار کرده، ۱۴ ساعت در روز ۷ روز هفته که دچار مرگ زودرس در ۳۹ یا ۴۰ سالگی می‌شوند.

## علل و علائم سندروم کاروشی:

فشارهای کاری بالا: یکی از عوامل اصلی سندروم کاروشی فشارهای کاری بالاست. این فشارها می‌تواند ناشی از حجم بالای کار، مسئولیت‌های زیاد، یا انتظارات غیرواقعی از عملکرد باشد.

1. ساعات‌های طولانی کار: کار کردن ساعت‌های طولانی بدون استراحت کافی یکی از عوامل مهم در بروز سندروم کاروشی است. بسیاری از افرادی که به این سندروم مبتلا می‌شوند، روزانه بیش از دوازده ساعت کار می‌کنند و اغلب در طول هفته روزهای کاری بدون استراحت دارند.

2. استرس مزمن: سندروم کاروشی اغلب به دلیل استرس طولانی‌مدت و مزمن، ناشی از شرایط کاری سخت و محیط‌های پر فشار، می‌تواند به مشکلات جدی جسمی و روانی منجر شود. این استرس می‌تواند باعث افزایش فشار خون، مشکلات قلبی، افسردگی، و اضطراب شود.

**خستگی مفرط: افرادی که به سندروم کاروشی مبتلا می‌شوند، اغلب از خستگی شدید رنج می‌برند. این خستگی می‌تواند باعث کاهش تمرکز، ضعف جسمی، و کاهش توانایی در انجام وظایف روزمره شود.**

عواقب سندروم کاروشی:

**سندروم کاروشی می‌تواند به مشکلات جدی جسمی منجر شود، از جمله:**

سکته مغزی: فشار کاری شدید و استرس می‌تواند باعث افزایش خطر سکته مغزی شود.

حمله قلبی: کار کردن طولانی‌مدت بدون استراحت و استرس زیاد می‌تواند منجر به حمله قلبی شود.

مرگ ناگهانی: در موارد شدید، سندروم کاروشی می‌تواند منجر به مرگ ناگهانی شود.

پیشگیری و مدیریت سندروم کاروشی: برای پیشگیری از سندروم کاروشی، لازم است که افراد و کارفرمایان به اهمیت تعادل بین کار و زندگی شخصی توجه کنند. اقداماتی که می‌توانند به پیشگیری کمک کنند عبارتند از:

کاهش ساعات‌های کاری: تنظیم ساعات کاری به گونه‌ای که افراد فرصت استراحت کافی داشته باشند.

مدیریت استرس: ارائه برنامه‌های مدیریت استرس و حمایت‌های روانی به کارکنان.

ترویج فرهنگ استراحت: تشویق به استراحت منظم و استفاده از مرخصی‌های قانونی.

ارتقاء شرایط کاری: بهبود شرایط کاری و کاهش فشارهای کاری غیرضروری.

سندروم کاروشی نشان‌دهنده اهمیت توجه به سلامت روانی و جسمی کارکنان است و نیاز به اقداماتی فوری برای پیشگیری از آن، به ویژه در مشاغل پرتنش و پرمسئولیت مانند پرستاری، دارد.

شرایط کاری پرستاران در ایران و ایالت تگزاس (آمریکا) تفاوت‌های قابل توجهی دارد. در ادامه به چند مورد از این تفاوت‌ها اشاره می‌کنم:

1. آموزش و مدارک: در ایران، پرستاران معمولاً با داشتن مدرک کارشناسی پرستاری وارد این حرفه می‌شوند. اما در تگزاس، علاوه بر داشتن مدرک کارشناسی، نیاز به اخذ مجوز از هیئت پرستاری ایالت دارند و برخی از پرستاران تحصیلات تکمیلی در سطوح کارشناسی ارشد یا دکترا را ادامه می‌دهند.

2. حقوق و مزایا: حقوق پرستاران در تگزاس به طور کلی بسیار بالاتر از ایران است. پرستاران در تگزاس حقوق مناسبی دارند و علاوه بر آن، مزایای متعددی مانند بیمه درمانی، مرخصی با حقوق، و مزایای بازنستگی دارند. در حالی که حقوق و مزایای پرستاران در ایران به مراتب کمتر است و بسیاری از پرستاران با مشکلات مالی مواجه هستند.

میزان درآمد پرستاران در تگزاس و ایران تفاوت‌های قابل توجهی دارد که ناشی از تفاوت‌های اقتصادی، سطح زندگی، و نظام بهداشت و درمان در این دو منطقه است.

درآمد پرستاران در ایران: در ایران، درآمد پرستاران بسته به نوع بیمارستان (دولتی یا خصوصی)، سطح تجربه، و موقعیت جغرافیایی متفاوت است. به طور کلی، حقوق پایه پرستاران در ایران نسبتاً پایین است و ممکن است بین ۲۰ تا ۵۰ میلیون ریال در ماه (تقریباً ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار) باشد. پرستاران با تجربه بیشتر یا کسانی که در بیمارستان‌های خصوصی یا در بخش‌های ویژه کار می‌کنند، ممکن است درآمد بیشتری داشته باشند. با این حال، در مقایسه با هزینه‌های زندگی، بسیاری از پرستاران در ایران احساس می‌کنند که حقوقشان کافی نیست.

درآمد پرستاران در تگزاس (آمریکا): در تگزاس، درآمد پرستاران به مراتب بالاتر است. حقوق سالانه یک پرستار ثبت شده (Registered Nurse) در تگزاس بسته به تجربه و محل کار، معمولاً بین ۶۰,۰۰۰ تا ۱۰۰,۰۰۰ دلار یا بیشتر متغیر است. این حقوق به طور ماهانه معادل ۵,۰۰۰ تا ۸,۳۰۰ دلار می‌شود. علاوه بر حقوق پایه، پرستاران در تگزاس ممکن است مزایای دیگری مانند بیمه درمانی، پاداش، و مرخصی با حقوق داشته باشند.

3. شرایط کاری: در تگزاس، پرستاران معمولاً در محیط‌های کاری مدرن با تجهیزات پیشرفته کار می‌کنند و حجم کار و تعداد بیماران به‌طور متناسب‌تری تقسیم می‌شود. در ایران، شرایط کاری ممکن است سخت‌تر باشد و به‌دلیل کمبود نیروهای پرستاری، پرستاران با حجم کار بالاتری روبه‌رو شوند.

### نسبت پرستار به بیمار در ایران:

نسبت پرستار به بیمار یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی کیفیت مراقبت‌های بهداشتی است و این نسبت در کشورهای مختلف متفاوت است. تعداد مورد نیاز پرستار براساس شاخص جمعیت سنجیده می‌شود که طبق شاخص‌های سازمان جهانی بهداشت W.H.O متوسط نسبت جمعیت به پرستار یک هزار به ۶ نفر است. حالا اگر قرار باشد مردم کف درمان را دریافت کنند این تعداد به سه پرستار به ازای هر هزار نفر می‌رسد که این مقدار حداقل و کمترین میزان خدماتی است که بیماران می‌توانند دریافت کنند، در ایران به طور متوسط به ازای هر هزار نفر تنها یک و نیم پرستار وجود دارد که این به معنای نصف حداقل نیاز بیمار برای مراقبتی که انتظار می‌رود از کادر درمان دریافت کند. در این شرایط هم پرستاران و هم مردم آسیب می‌بینند. قابل ذکر است که تعداد پرستاران و تخت‌های بیمارستانی یا بیمار با تعداد مرگ و میر ارتباط مستقیم دارد که در شرایط کرونا به خوبی شاهدش بودیم. در ایران، این نسبت به طور کلی پایین‌تر از استانداردهای جهانی است. کمبود نیروی پرستاری یکی از مشکلات عمده در سیستم بهداشت و درمان ایران است که به دلیل کمبود نیروی پرستاری و تقاضای بالای بیماران، پرستاران در ایران اغلب با حجم کار بالایی روبه‌رو هستند که می‌تواند بر کیفیت مراقبت‌ها تأثیر منفی بگذارد.

نسبت پرستار به بیمار در تگزاس (آمریکا): در تگزاس و به طور کلی در ایالات متحده، نسبت پرستار به بیمار بسته به نوع بخش بیمارستان و شرایط مختلف متفاوت است، اما به طور معمول این نسبت حدود یک پرستار به هر چهار تا شش بیمار است. در بخش‌های بحرانی مانند بخش مراقبت‌های ویژه (ICU)، این نسبت ممکن است به یک پرستار به هر یک یا دو بیمار کاهش یابد تا کیفیت و دقت مراقبت افزایش یابد.

این تفاوت در نسبت پرستار به بیمار نشان‌دهنده تفاوت‌های عمده در سطح منابع انسانی و کیفیت مراقبت‌های بهداشتی بین دو کشور است. در ادامه به مقایسه این نسبت در ایران و برخی کشورهای دیگر می‌پردازیم:

### نسبت پرستار به بیمار در کشورهای توسعه‌یافته:

ایالات متحده: نسبت پرستار به بیمار به طور معمول حدود یک پرستار به هر چهار تا شش بیمار است. در بخش‌های ویژه مانند ICU، این نسبت ممکن است به یک پرستار به هر یک یا دو بیمار کاهش یابد.

کانادا: در کانادا، نسبت پرستار به بیمار معمولاً در حدود یک پرستار به هر پنج تا شش بیمار است. این کشور نیز تلاش می‌کند تا این نسبت را در سطحی نگه دارد که کیفیت مراقبت‌های بهداشتی بالا باشد.

آلمان: در آلمان، نسبت پرستار به بیمار در بیمارستان‌ها حدود یک پرستار به هر شش تا هشت بیمار است. در بخش‌های مراقبت ویژه این نسبت بهبود یافته و می‌تواند به یک پرستار به هر دو یا سه بیمار کاهش یابد.

ژاپن: ژاپن دارای یکی از بالاترین نسبت‌های پرستار به بیمار است و معمولاً این نسبت در بیمارستان‌ها حدود یک پرستار به هر چهار تا پنج بیمار است. ژاپن نیز مانند سایر کشورهای توسعه‌یافته، توجه ویژه‌ای به کیفیت مراقبت‌های بهداشتی دارد.

نروژ: نروژ یکی از کشورهایایی است که نسبت پرستار به بیمار بسیار مطلوبی دارد. این نسبت معمولاً در حدود یک پرستار به هر سه تا چهار بیمار است.

نسبت پرستار به بیمار در کشورهای در حال توسعه: در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مشابه ایران، نسبت پرستار به بیمار پایین است. به عنوان مثال:

هند: نسبت پرستار به بیمار در هند به طور کلی پایین است و ممکن است بین یک پرستار به هر ده تا پانزده بیمار متغیر باشد.

مصر: در مصر نیز این نسبت مشابه ایران است و معمولاً یک پرستار به هر ده تا دوازده بیمار تعلق می‌گیرد.

نتیجه‌گیری: نسبت پرستار به بیمار در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر است و این موضوع چالشی بزرگ برای سیستم بهداشت و درمان کشور به شمار می‌آید. در کشورهای توسعه‌یافته، تلاش می‌شود تا این نسبت به گونه‌ای تنظیم شود که پرستاران قادر به ارائه مراقبت‌های با کیفیت به بیماران باشند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که بهبود نسبت پرستار به بیمار در ایران می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات بهداشتی و افزایش رضایت بیماران منجر شود.

4. فرصت‌های پیشرفت: پرستاران در تگزاس از فرصت‌های بیشتری برای پیشرفت شغلی برخوردارند، مانند امکان دریافت تخصص‌های مختلف، شرکت در دوره‌های آموزشی پیشرفته، و ارتقاء به موقعیت‌های مدیریتی. در ایران، این فرصت‌ها محدودتر است و پرستاران برای پیشرفت شغلی با چالش‌های بیشتری روبه‌رو هستند.

5. محیط کاری: در تگزاس، محیط کاری به دلیل قوانین سختگیرانه‌تر، از ایمنی و شرایط بهداشتی بهتری برخوردار است. در ایران، اگرچه تلاش‌هایی برای بهبود شرایط کاری پرستاران انجام می‌شود، اما هنوز با استانداردهای کشورهای پیشرفته فاصله دارد.

این تفاوت‌ها بر زندگی و رضایت شغلی پرستاران تأثیر زیادی دارد.

بر اساس اطلاعات و آمارهای اخیر از منابع مختلف در حوزه بهداشت و درمان، تعداد پرستاران موجود و فعال در حال کار در ایران در حدود ۱۵۰,۰۰۰ تا ۱۶۰,۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. این عدد شامل پرستارانی است که در بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی، و سایر نهادهای درمانی کشور مشغول به کار هستند.

کمبود نیروی پرستاری در ایران: براساس استانداردهای جهانی، ایران با کمبود جدی نیروی پرستاری مواجه است. برآوردها نشان می‌دهد که کشور نیاز به حداقل دو برابر این تعداد، یعنی حدود ۳۰۰,۰۰۰ پرستار، دارد تا بتواند نیازهای موجود در سیستم بهداشت و درمان را به طور کامل پوشش دهد. این کمبود نیروی پرستاری تأثیر مستقیمی بر کیفیت خدمات بهداشتی، حجم کاری بالایی پرستاران، و رضایت بیماران دارد.

این کمبود نیروی پرستاری به دلایل مختلفی ایجاد شده است، از جمله:

افزایش جمعیت و نیازهای درمانی: رشد جمعیت و افزایش بیماری‌های مزمن نیاز به مراقبت‌های بهداشتی را افزایش داده است، در حالی که تعداد پرستاران به همان نسبت افزایش نیافته است.

مهاجرت پرستاران: به دلیل شرایط کاری و حقوق پایین در ایران، تعدادی از پرستاران به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند، که این موضوع به کمبود نیرو دامن زده است.

نرخ پایین آموزش و جذب: اگرچه دانشگاه‌های علوم پزشکی هر ساله تعداد زیادی پرستاران تربیت می‌کنند، اما ظرفیت جذب این پرستاران در بازار کار ایران پایین است و بسیاری از آنان ممکن است به دلایل مختلف وارد بازار کار نشوند.

این کمبود نیروی پرستاری نیاز به توجه جدی از سوی دولت و سیاست‌گذاران دارد تا با برنامه‌ریزی مناسب، از طریق افزایش جذب پرستاران، بهبود شرایط کاری و حقوق، و ارتقاء سطح آموزش، این مشکل اساسی برطرف شود.

مینو همتی: مسلمان پرستاران در آمریکا نیز طی میازات طولانی به این حقوق و مزایا دست یافتند، نقش و جایگاه تشکلات صنفی و اتحادیه پرستاران آمریکا برای حفظ موقعیت و افزایش حقوق را چگونه توصیف می‌کنید.

پرستاران در ایالات متحده نقش مهمی در حفظ و بهبود شرایط کاری خود از طریق تشکلات صنفی و اتحادیه‌ها دارند. این اتحادیه‌ها به عنوان نمایندگان حقوق و منافع پرستاران عمل می‌کنند و در مذاکرات با کارفرمایان، دولت، و سایر نهادها، نقش کلیدی ایفا می‌کنند. در ادامه به توضیح نقش و جایگاه این تشکلات می‌پردازیم:

1. دفاع از حقوق و منافع پرستاران: اتحادیه‌های پرستاری در ایالات متحده، مانند اتحادیه ملی پرستاران (National Nurses United) و انجمن پرستاران آمریکایی (American Nurses Association)، به طور مداوم برای حفظ و بهبود شرایط کاری، حقوق و مزایای پرستاران تلاش می‌کنند. این اتحادیه‌ها معمولاً در مذاکرات جمعی با بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی برای افزایش حقوق، بهبود شرایط کاری، کاهش حجم کار، و بهبود مزایای پرستاران نقش اساسی دارند.

2. سازماندهی اعتصابات و کمپین‌ها: در صورت عدم توافق با کارفرمایان، اتحادیه‌های پرستاری قادر به سازماندهی اعتصابات و کمپین‌های عمومی

هستند. این اقدامات می‌تواند فشار زیادی بر کارفرمایان وارد کند تا شرایط بهتری برای پرستاران فراهم کنند. اعتصابات پرستاران در آمریکا در طول تاریخ منجر به تغییرات مهمی در حقوق و شرایط کاری آنان شده است. 3. حفاظت قانونی: اتحادیه‌های پرستاری همچنین از پرستاران در مواجهه با مسائل حقوقی حمایت می‌کنند. در صورت بروز اختلافات قانونی با کارفرمایان، اتحادیه‌ها وکلای حرفه‌ای در اختیار اعضای خود قرار می‌دهند و از حقوق آنها در دادگاه‌ها دفاع می‌کنند.

4. آموزش و توانمندسازی: این اتحادیه‌ها برنامه‌های آموزشی متعددی برای ارتقاء مهارت‌ها و دانش پرستاران برگزار می‌کنند. این آموزش‌ها به پرستاران کمک می‌کند تا در محیط‌های کاری پیچیده‌تر و با مسئولیت‌های بیشتر موفق‌تر عمل کنند و در نتیجه قدرت چانه‌زنی آنها برای حقوق و مزایای بهتر افزایش یابد.

5. لابی‌گری و تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری: اتحادیه‌های پرستاری در آمریکا به طور فعال در لابی‌گری و تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های بهداشتی نقش دارند. آنها با ارتباط با قانون‌گذاران و مقامات دولتی، تلاش می‌کنند تا قوانینی به نفع پرستاران تصویب شود. این شامل قوانین مربوط به ایمنی در محیط کار، نسبت پرستار به بیمار، و حمایت از حقوق کارگران بهداشتی است.

6. ایجاد همبستگی: اتحادیه‌های پرستاری نقش مهمی در ایجاد همبستگی میان پرستاران ایفا می‌کنند. این همبستگی باعث می‌شود که پرستاران در مقابل چالش‌ها و فشارهای محیط کار به صورت جمعی و منسجم عمل کنند، که این خود می‌تواند قدرت آنها را در مذاکرات افزایش دهد.

نتیجه‌گیری: تشکلهای صنفی و اتحادیه‌های پرستاری در آمریکا نقش اساسی در حفظ و بهبود شرایط کاری، حقوق و مزایای پرستاران دارند. این اتحادیه‌ها از طریق مذاکرات جمعی، سازماندهی اعتصابات، حفاظت قانونی، آموزش، لابی‌گری و ایجاد همبستگی، نقش کلیدی در تأمین حقوق و منافع پرستاران ایفا می‌کنند. بدون حمایت و تلاش‌های این اتحادیه‌ها، بسیاری از پیشرفت‌های حاصل شده در شرایط کاری و مزایای پرستاران ممکن نبود.

به جرات می‌توان گفت یکی از دلایل عدم حل مشکلات پرستاران در ایران یا دستکم کاهش آنها، فقدان وجود یک نهاد صنفی پر قدرت و موثر است که از طریق آن تلاش مداوم و مستمری در راستای مطالبه‌گری حقوق پرستاران انجام گیرد. امروزه یکی از کارکردهای اصلی تشکلهای صنفی در سراسر دنیا، حمایت‌های قانونی از اعضای خود در برابر دولت‌ها، کارفرمایان و صاحبان قدرت و ثروت است.

در همین زمینه مجید احمدی، رئیس کمیسیون حقوقی شورای عالی سازمان نظام پرستاری، اسفند ماه سال گذشته، «عدم نقش‌آفرینی نهادهای صنفی - حرفه‌ای پرستاران» را یکی از دلایل عدم حل مشکلات پرستاران در نظام درمانی در ایران دانسته بود. او گفته بود: «در واقع نقشی که نهاد صنفی-حرفه‌ای ایفا می‌کند ریل‌گذاری مستمر و بدون وقفه برای سیاستگذار است.

در موضوع پرستاری، سازمان نظام پرستاری باید به صورت مستمر، نگاه سیاستگذار را در سطح دولت و دیگر ذی نفعان، نسبت به وضعیت مطلوب هدایت کند. این محوری ترین نقشی است که سازمان نظام پرستاری باید ایفا کند.»

این در حالی است که فعالیت صنفی در ایران، در عمل از سوی دستگاه قضایی و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی،

در بسیاری از موارد به عنوان اقدامی ضد امنیتی تلقی شده و فعالان صنفی از جمله پرستاران با پیگرد قضایی و مجازات روبرو می‌شوند. محمد شریفی‌مقدم دبیرکل خانه پرستار اسفند ماه ۱۴۰۲ با اشاره به همین موضوع صراحتاً از تشکیل پرونده علیه پرستاران به دلیل مشارکت در فعالیت‌ها و اعتراضات صنفی و صدور احکام ۶ ماه انفصال از خدمت علیه آنها خبر داده بود.

نمونه مشخصی که می‌توان از آن یاد کرد، اعلام افزایش آمار پرستارانی است که سالانه به دلیل عدم حل مشکلات از ایران مهاجرت می‌کنند. در حالی که به گفته مسئولان سازمان نظام پرستاری این مساله «زنگ خطر جدی برای نظام سلامت» در ایران است، اما برخی مقامات امنیتی، از اساس با هرگونه هشدار سازمان‌های صنفی پرستاری از جمله سازمان نظام پرستاری در این زمینه مخالفت کرده و آن را «دروغ تبلیغاتی دشمن» می‌خوانند.

چنین وضعیتی در حالی است که حق فعالیت‌های صنفی از جمله تشکیل آزادانه انجمن‌های صنفی و فعالیت در راستای آن به ویژه مطالبه‌گری و اعتراض یکی از ارزش‌ها و استانداردهای اساسی قوانین بین المللی کار است و دستکم در دو مقاله‌نامه اصلی سازمان بین المللی کار مورد تأیید قرار گرفته است.

حق فعالیت و اعتراض صنفی که بارزترین مصداق عملی آن «اعتصاب» است نیز از جمله حقوقی است که علاوه بر قوانین بین المللی کار، در قوانین و اسناد بین المللی حقوق بشری از جمله میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان یکی از حقوق اساسی بشری و تضمینی برای امکان مطالبه‌گری نیروی کار برای احقاق حقوق و دفاع از خود در برابر شرایط ناعادلانه کار به رسمیت شناخته است.

در قوانین داخلی در ایران از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در اصل ۲۶ آزادی انجمن‌ها و تشکلهای صنفی و همچنین حق اعتراض مورد شناسایی قرار گرفته و قانون کار نیز در فصل ششم خود (از ماده ۱۳۰ تا ۱۳۸) به موضوع تشکیل تشکلهای صنفی پرداخته و آن را به عنوان یک حق برای نیروی کار دانسته است.

در این میان اما علیرغم گذشت سال‌ها از شناسایی حق تشکیل آزادانه انجمن‌ها و حقوق زیر مجموعه آن توسط سازمان بین المللی کار به عنوان یکی از استانداردهای اصلی حقوق کار و به ویژه نیاز فراوان به آن برای حل یا دستکم کاهش مشکلات پرستاران، اما همچنان احقاق این حق در عمل با سختی بسیار همراه بوده و بهره‌مندی از آن در حد تأسیس یک انجمن صنفی کم توان یا اتحادیه‌ای وابسته و دولتی باقی مانده است.

باید اضافه کرد که رویکرد خطرناک مسئولان وزارت بهداشت در امنیتی کردن مشکلات پرستاران به جای حل آنها باعث شده که مسئولان وزارت بهداشت کم کم به سوی حرکت کنند که به عبارتی «پای» دشمن «را» به مسائل و مشکلات جامعه پرستاری باز کنند. این درحالی است که خود وزارت بهداشت و حتی دولت نقش مستقیم در این مشکلات دارند.

عباس عبادی معاون پرستاری وزارت بهداشت چند روز پیش از درگذشت ابراهیم رئیسی، در اظهاراتی تامل برانگیز گفته بود دستگاه‌های نظارتی و امنیتی در مورد مشکلات پرستاران ورود کرده‌اند. این اظهارات و به طور کلی این رویکرد امنیتی کردن مسائل نه تنها مشکلات پرستاران را حل نمی‌کند بلکه حاکی از یک نگرش مخرب و خطرناک است.

ورود دستگاه‌های امنیتی به مسائل صنفی و معیشتی پرستاران و این روحیه که همه مشکلات را تقصیر دشمن می‌داند، متأسفانه در میان مسئولان کشور رواج دارد و آزمون ناموفق خود را در حوزه‌های مختلف پس داده است.

در مقابل پرستاران سال‌هاست که با مشکلات معیشتی، حقوق‌های ناچیز و شرایط سخت کاری دست و پنجه نرم می‌کنند. آنها به جای حمایت و قدردانی، شاهد بی‌تفاوتی و عملکرد نامطلوب مسئولان هستند. آقای عبادی و امثال ایشان بهتر است به عملکرد ضعیف خود در رسیدگی به مطالبات به حق پرستاران نگاهی بیندازند. مسئولان وزارت بهداشت و دولت باید پاسخگوی کوتاهی‌ها و عملکرد ضعیف خود باشند.

از طرفی مشکلات پرستاران مانند تعرفه‌گذاری ناعادلانه خدمات پرستاری، وعده‌های دروغین استخدام، اجبار پرستاران به اضافه‌کار غیرقانونی و دخالت در انتخابات نهادی صنفی پرستاری هم مشکلاتی است که وزارت بهداشت ایجاد کرده است. اتفاقاً اگر قرار است نهادهای امنیتی و نظارتی واقعا به کار خودشان عمل کنند، اول از همه به خاطر این عملکرد باید از وزارت بهداشت و مسئولان آن و همچنین روسای دانشگاه‌های علوم پزشکی شروع کنند. چرا که عملکرد این دستگاه‌ها در حال حاضر بیشترین ضربه را به جامعه پرستاری زده و همچنین خطرات زیادی را متوجه سلامت جامعه کرده است.

### نقش و جایگاه تشکلهای صنفی و اتحادیه‌های پرستاران در ایران

نقش و جایگاه تشکلهای صنفی و اتحادیه‌های پرستاران در ایران، و همچنین نقش دولت در بهبود شرایط کاری و حقوق پرستاران، موضوعی بسیار مهم و حساس است که تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی و رضایت شغلی پرستاران دارد.

تشکلهای صنفی و اتحادیه‌های پرستاری در ایران به عنوان نمایندگان پرستاران در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. این تشکلهای با هدف حمایت از حقوق و منافع پرستاران و بهبود شرایط کاری آنان تأسیس شده‌اند. با این حال، باید توجه داشت که این تشکلهای در ایران با چالش‌ها و محدودیت‌هایی روبرو هستند.

حمایت از حقوق پرستاران: تشکلهای صنفی در ایران تلاش می‌کنند تا از حقوق پرستاران دفاع کنند و خواسته‌های آنان را به مسئولان و کارفرمایان منتقل کنند. این خواسته‌ها معمولاً شامل افزایش حقوق، بهبود شرایط کاری، کاهش حجم کار، و ارتقاء ایمنی محیط کار است.

1. سازماندهی اعتراضات: در مواقعی که مطالبات پرستاران نادیده گرفته می‌شود، این تشکلهای ممکن است اعتراضات و تجمعاتی را سازماندهی کنند. البته، اعتراضات صنفی در ایران با محدودیت‌هایی روبرو است و معمولاً با کنترل‌های سختگیرانه مواجه می‌شود.

تعامل با دولت و نهادهای مرتبط: تشکلهای صنفی و اتحادیه‌ها در تلاشند تا با تعامل با دولت و نهادهای مرتبط، بهبود شرایط کاری پرستاران را محقق کنند. این تعاملات می‌تواند شامل مذاکرات با وزارت بهداشت، مجلس شورای اسلامی، و سایر نهادهای تصمیم‌گیرنده باشد.



## نقش دولت در بهبود شرایط کاری و حقوق پرستاران:

دولت به عنوان اصلی‌ترین نهاد تصمیم‌گیرنده و مسئول در حوزه بهداشت و درمان، نقش بسیار مهمی در بهبود شرایط کاری و حقوق پرستاران دارد. این نقش می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

1. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی: دولت می‌تواند با تدوین و اجرای سیاست‌های مناسب در حوزه بهداشت و درمان، شرایط کاری پرستاران را بهبود بخشد. این سیاست‌ها ممکن است شامل افزایش بودجه بهداشت و درمان، اصلاح ساختار حقوق و مزایا، و بهبود امکانات و تجهیزات بیمارستانی باشد.

2. افزایش حقوق و مزایا: یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت برای بهبود شرایط پرستاران، افزایش حقوق و مزایای آنان است. دولت می‌تواند با اصلاح ساختار حقوق و افزایش حقوق پایه، بهبود وضعیت مالی پرستاران را محقق کند. همچنین، ارائه مزایای اضافی مانند بیمه تکمیلی و پاداش‌های مرتبط با سختی کار نیز می‌تواند تأثیر مثبتی داشته باشد.

## جنب و آموزش نیروی انسانی:

1. دولت می‌تواند با ایجاد فرصت‌های بیشتر برای آموزش و جذب نیروی پرستاری، به کاهش کمبود پرستاران کمک کند. این اقدامات می‌تواند شامل افزایش ظرفیت دانشگاه‌های علوم پزشکی، ارائه بورسیه‌های تحصیلی، و تسهیل جذب فارغ‌التحصیلان در بازار کار باشد.

2. افزایش ایمنی و بهبود شرایط کاری: دولت می‌تواند با تدوین مقررات و استانداردهای ایمنی در محیط‌های کاری، از سلامت و ایمنی پرستاران حفاظت کند. این اقدامات شامل بهبود تجهیزات پزشکی، کاهش حجم کار پرستاران، و ارتقاء آموزش‌های ایمنی است.

**حمایت از تشکلهای صنفی: دولت می‌تواند با حمایت از فعالیت‌های قانونی تشکلهای صنفی و ایجاد بستر مناسب برای فعالیت‌های آنان، به بهبود شرایط پرستاران کمک کند. این حمایت می‌تواند شامل تعامل سازنده با این تشکلهای و در نظر گرفتن نظرات آنان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط باشد.**

## نتیجه‌گیری:

تشکلهای صنفی و اتحادیه‌های پرستاران در ایران نقش مهمی در حمایت از حقوق پرستاران و بهبود شرایط کاری آنان دارند، اما با چالش‌ها و محدودیت‌های جدی مواجه هستند. دولت نیز نقش کلیدی در بهبود شرایط کاری و حقوق پرستاران ایفا می‌کند و می‌تواند با سیاست‌گذاری‌های مناسب و تعامل سازنده با این تشکلهای، به تحقق مطالبات پرستاران کمک کند. همکاری موثر بین دولت و تشکلهای صنفی می‌تواند به بهبود وضعیت پرستاران و ارتقاء کیفیت خدمات بهداشتی در کشور منجر شود. خصوصی‌سازی کادر پرستاری و سایر بخش‌های بهداشت و درمان در ایران به تدریج از دهه هفتاد شمسی (۱۹۹۰ میلادی) آغاز شد. این فرایند در راستای سیاست‌های کلی دولت برای کاهش بار مالی از دوش دولت و افزایش بهره‌وری اقتصادی انجام شد. خصوصی‌سازی در بخش بهداشت و درمان و به ویژه در کادر پرستاری تأثیرات گسترده‌ای بر شرایط کاری پرستاران، حقوق و مزایا، و کیفیت خدمات بهداشتی داشته است.

## آغاز و پیشینه خصوصی‌سازی:

فرایند خصوصی‌سازی کادر پرستاری به طور مشخص از زمانی شروع شد که سیاست‌های کلی اقتصادی دولت به سمت کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری بخش‌هایی از خدمات عمومی به بخش خصوصی سوق پیدا کرد. این سیاست‌ها در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی آغاز و در دولت‌های بعدی نیز ادامه یافت.

مسئولیت خصوصی‌سازی بخش‌های مختلف، از جمله بخش بهداشت و درمان، بر عهده دولت و به طور خاص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بوده است. هدف از این خصوصی‌سازی، کاهش هزینه‌های دولتی و افزایش کارآمدی در ارائه خدمات بهداشتی اعلام شده بود.

## تأثیرات خصوصی‌سازی بر پرستاران:

## 1. تغییرات در حقوق و مزایا:

یکی از نتایج خصوصی‌سازی، تغییرات در سیستم پرداخت حقوق و مزایای پرستاران بود. در بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی خصوصی، پرستاران تحت قراردادهای کاری موقت یا پیمانی کار می‌کنند که معمولاً حقوق و مزایای کمتری نسبت به کارکنان رسمی دارند. این موضوع باعث شده است که بسیاری از پرستاران با مشکلات مالی روبرو شوند و احساس نارضایتی کنند.

در حال حاضر چند نوع استخدام در مراکز درمانی وجود دارد که شامل استخدام کامل، استخدام قراردادی استخدام شرکتی می‌شود. از این انواع استخدام، استخدام شرکتی یا به عبارتی بردهداری به شکل نوین همان نوعی از استخدام است که نه تنها هیچ امنیت شغلی برای پرستار ایجاد نمی‌کند بلکه بستر استثمار او را هم فراهم می‌کند. پرستار شرکتی یعنی هر زمان کارفرما اراده کند می‌تواند پرستار را تعدیل و اخراج کند و هیچ نهادی توان حمایت از او را ندارد. بدون شک کارفرما در استخدام را ندارد ولی غافل از اینکه این نامنمی، ضطراب و استرسی را برای پرستار در حین کار می‌تواند ایجاد کند که مشکل ساز است، آرامش روانی در کار پرستاری حیاتیست چرا که ا جان بیماران خود در ارتباط است. لازم به ذکر است پرستاران با قراردادهای دو ماهه، سه ماهه ۶ ماهه هیچ توانی برای برنامه‌ریزی آینده ندارند.

2. افزایش فشار کاری: خصوصی‌سازی منجر به کاهش تعداد پرستاران در مراکز درمانی شده است، زیرا بسیاری از بیمارستان‌ها به دنبال کاهش هزینه‌ها، تعداد کادر پرستاری خود را کاهش داده‌اند. این امر باعث افزایش فشار کاری بر پرستاران شده است، زیرا آنان باید وظایف بیشتری را در زمان کمتر انجام دهند.

**تغییر در قوانین و مقررات کاری: با خصوصی‌سازی، قوانین و مقررات کاری در بخش‌های خصوصی به گونه‌ای تنظیم شد که بیشتر به نفع کارفرمایان باشد. به عنوان مثال، ساعات کاری طولانی‌تر، نبود امنیت شغلی، و کاهش دسترس به بیمه‌های درمانی و اجتماعی از جمله پیامدهای منفی این خصوصی‌سازی برای پرستاران بوده است.**

## سودآوری برای بخش خصوصی:

بخش خصوصی، به ویژه بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی خصوصی، از این خصوصی‌سازی سود بالایی برده‌اند. آنان با کاهش هزینه‌های مربوط به

نیروی انسانی و افزایش درآمد از طریق ارائه خدمات بهداشتی و درمانی با هزینه‌های بالا، توانسته‌اند به سودهای قابل توجهی دست یابند. این در حالی است که شرایط کاری و رفاهی پرستاران در این مراکز به طور چشمگیری کاهش یافته است. قوانین و مقررات:

با خصوصی‌سازی کادر پرستاری، برخی از قوانین و مقررات نیز تغییر کرده یا جدیداً تصویب شده است. این تغییرات معمولاً شامل موارد زیر است:

- قراردادهای پیمانی و موقت: بسیاری از پرستاران در مراکز خصوصی با قراردادهای موقت یا پیمانی مشغول به کار هستند که امنیت شغلی کمتری دارد.

- کاهش حقوق و مزایا: کاهش مزایا و حقوق پرستاران در بخش‌های خصوصی به یکی از اصلی‌ترین مشکلات تبدیل شده است.

- افزایش ساعات کاری: بسیاری از پرستاران مجبور به کار در ساعات طولانی‌تر بدون دریافت اضافه‌کاری منصفانه هستند.

## نتیجه‌گیری:

خصوصی‌سازی کادر پرستاری در ایران تأثیرات گسترده‌ای بر شرایط کاری و حقوق پرستاران داشته است. این فرایند که از دهه هفتاد شمسی آغاز شد، منجر به افزایش فشار کاری، کاهش حقوق و مزایا، کاهش امنیت شغلی پرستاران شده است. در حالی که بخش خصوصی از این فرایند سود بالایی برده، شرایط کاری پرستاران به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار گرفته است و نیاز به بازنگری و اصلاحات در این حوزه به شدت احساس می‌شود.

محاسبه دقیق اینکه کاهش یک پرستار چقدر می‌تواند درآمد برای کارفرمایان به دنبال داشته باشد، به عوامل متعددی بستگی دارد. این عوامل شامل میزان حقوق و مزایای پرستار، هزینه‌های سربار (مانند بیمه و مالیات)، و تأثیر کاهش تعداد پرستاران بر کیفیت خدمات و در نتیجه بر درآمد کلی بیمارستان یا مرکز درمانی است.

## 1. صرفه‌جویی در حقوق و مزایا:

به طور کلی، یک پرستار در ایران ممکن است حقوقی در حدود ۲۰ تا ۵۰ میلیون ریال در ماه (تقریباً ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار) دریافت کند. علاوه بر این، کارفرمایان هزینه‌هایی همچون بیمه، مزایا، و سایر هزینه‌های سربار را نیز پرداخت می‌کنند. اگر فرض کنیم هزینه‌های اضافی به طور متوسط معادل ۳۰ درصد حقوق پایه است، هزینه یک پرستار برای کارفرما ممکن است بین ۲۶ تا ۶۵ میلیون ریال در ماه (تقریباً ۵۲۰ تا ۱۳۰۰ دلار) باشد. بنابراین، با کاهش یک پرستار از کادر درمانی، کارفرما ممکن است به طور ماهیانه این مقدار را صرفه‌جویی کند.

## 2. تأثیر بر کیفیت خدمات و درآمد کلی:

در حالی که کاهش تعداد پرستاران ممکن است به صرفه‌جویی در هزینه‌های مستقیم منجر شود، این اقدام می‌تواند تأثیرات منفی بر کیفیت خدمات ارائه شده داشته باشد. کاهش کیفیت خدمات درمانی می‌تواند به نارضایتی بیماران، کاهش رضایت‌مندی مشتریان، و حتی افزایش نرخ مرگ و میر منجر شود. این مسائل ممکن است به کاهش مراجعه بیماران، کاهش درآمد، و در برخی موارد افزایش هزینه‌های قانونی و جریمه‌ها منجر شود.

3. تاثیر بر بهروری:

کاهش تعداد پرستاران ممکن است باعث افزایش فشار کاری بر پرستاران باقیمانده شود. این موضوع می‌تواند به کاهش بهروری، افزایش خستگی و فرسودگی، و در نهایت کاهش کارایی منجر شود. در نتیجه، کارفرما ممکن است به جای صرفه‌جویی مالی، در بلندمدت با مشکلات و هزینه‌های بیشتری مواجه شود.

نتیجه‌گیری:

اگرچه کاهش یک پرستار می‌تواند در کوتاه‌مدت صرفه‌جویی مالی برای کارفرما به همراه داشته باشد، اما تأثیرات منفی آن بر کیفیت خدمات و بهروری می‌تواند به کاهش درآمد و افزایش هزینه‌های غیرمستقیم منجر شود. در واقع، این نوع تصمیمات باید با دقت و در نظر گرفتن تأثیرات بلندمدت آنها بر سلامت بیماران و عملکرد کلی سیستم بهداشت و درمان اتخاذ شوند.

**مینو همتی:** با توجه به خدمات ارزنده پرستاران به کلیه آحاد جامعه و نیاز همگان از جمله نظامیان، کارمندان دولت، کارگران و معلمان و دانشجویان به این خدمات، آیا درخواست حمایت همگان از مطالبات برحق پرستاران دور از انتظار است؟

درخواست حمایت از مطالبات برحق پرستاران در ایران نه تنها دور از انتظار نیست، بلکه کاملاً منطقی و ضروری است. پرستاران بخش مهمی از سیستم بهداشت و درمان هستند و نقش حیاتی در تأمین سلامت جامعه ایفا می‌کنند. بنابراین، حمایت همگانی از خواسته‌های آنان می‌تواند به بهبود شرایط کاری آنان و در نهایت ارتقاء کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی برای همه مردم منجر شود.

برای دستیابی به این حمایت عمومی، می‌توان اقداماتی را در چند زمینه مختلف انجام داد:

1. آگاهی‌بخشی عمومی: یکی از نخستین گام‌ها برای جلب حمایت همگان، آگاهی‌بخشی در مورد شرایط کاری پرستاران و اهمیت خدمات آنان است. این آگاهی‌بخشی می‌تواند از طریق رسانه‌های جمعی، شبکه‌های اجتماعی، و کمپین‌های عمومی انجام شود. اطلاع‌رسانی درباره چالش‌هایی که پرستاران با آن روبرو هستند و تأثیرات آن بر کیفیت مراقبت‌های بهداشتی می‌تواند باعث شود که مردم به اهمیت حمایت از مطالبات آنان پی ببرند.

2. بسیج اجتماعی: برای دستیابی به حمایت گسترده، پرستاران می‌توانند با سایر گروه‌های اجتماعی مانند معلمان، کارگران، دانشجویان و سایر اقشار جامعه همبستگی ایجاد کنند. این گروه‌ها می‌توانند با برگزاری تجمعات مشترک، امضای بیانیه‌های حمایتی، و مشارکت در کمپین‌های عمومی، از مطالبات پرستاران حمایت کنند.

3. لابی‌گری و تعامل با مسئولان: پرستاران و نمایندگان صنفی آنان می‌توانند با برقراری ارتباط با نمایندگان مجلس، مقامات دولتی، و نهادهای مسنول، تلاش کنند تا خواسته‌های آنان در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با بهداشت و درمان مورد توجه قرار گیرد. حمایت عمومی می‌تواند به تقویت این لابی‌گری‌ها کمک کند.

4. استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی: رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ابزار قدرتمندی برای جلب حمایت عمومی هستند. پرستاران می‌توانند از این پلتفرم‌ها برای بیان مطالبات خود، به اشتراک‌گذاری تجربیات کاری و چالش‌ها، و جلب حمایت عمومی استفاده کنند. حمایت افراد تأثیرگذار و چهره‌های شناخته شده نیز می‌تواند تأثیر مهمی در جلب توجه عمومی داشته باشد.

5. اتحاد و همبستگی داخلی: پرستاران باید در درون خود اتحاد و همبستگی را تقویت کنند. ایجاد یک صدای واحد و مشترک در بیان مطالبات و برنامه‌ریزی برای پیگیری این مطالبات به صورت هماهنگ، می‌تواند قدرت آنان را در جلب حمایت عمومی افزایش دهد.

6. برگزاری مراسم و تجمعات: برگزاری مسالمت‌آمیز و مراسم‌های عمومی مانند روز پرستار می‌تواند فرصتی برای جلب حمایت عمومی و بیان مطالبات به شکل علنی باشد. این اقدامات می‌تواند باعث افزایش آگاهی جامعه و حمایت از حقوق پرستاران شود.

نتیجه‌گیری: حمایت همگانی از مطالبات پرستاران کاملاً منطقی و دست‌یافتنی است، به شرطی که اقدامات مناسبی در جهت جلب این حمایت انجام شود.

با تلاش در زمینه آگاهی‌بخشی، بسیج اجتماعی، لابی‌گری، و استفاده هوشمندانه از رسانه‌ها، می‌توان حمایت گسترده‌تری از پرستاران به دست آورد و شرایط کاری آنان را بهبود بخشید.

در پایان از اعتراضات و اعتصابات گسترده و سراسری پرستاران با خواسته‌های مشخص صنفی نسبت به وضعیت نابسامان شغلی، بی‌ثباتی کاری، معیشتی شان و استثمار مضاعف در بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های پزشکی که از ۱۱ مرداد ۱۴۰۳ دو هفته پیش در شهرها و استان‌های مختلف کشور از جمله بوشهر، کرمانشاه، فارس، مرکزی، البرز، آذربایجان شرقی، زنجان، یزد، و... آغاز شده حمایت می‌کنم. شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: بر فشار اعتصابات و وحشت از گسترش سریع موج اعتراضات به سراسر کشور تلاش می‌کنند با وعده دادن‌های توخالی صف متحد ما را متفرق کنند.

پرستاران می‌گویند سال‌هاست که در پی هر دوره از اعتراضات تنها با وعده وعیدهای بی پایه مواجه بوده‌ایم که تنها برای شکستن صف اتحاد سراسری ما و تحت فشار گذاشتن اعتراضات ما داده می‌شود. ما پرستاران متحد و یکپارچه پیگیر مطالبات بر حق خود هستیم و از همه مردم می‌خواهیم از اعتراضات ما حمایت کنند. تمام اقشار جامعه می‌دانند که جمهوری اسلامی در طی ۴۵ سال گذشته نشان داده نه تنها برنامه‌ای برای بهبود معیشت و وضع اقتصادی ملت تحت ستم ایران نداشته چرا که نه در ماهیت و نه در توان اوست، بلکه از همان ابتدا تمام تلاشش فریب مردم و به غمنا بردن ثروت ملی، گسترش فقر، نابسامانی، قیرخواهی، کولبری، تن فروشی، اعتیاد، فساد، فروش اعضای بدن، بیکاری، زن ستیزی، مبارزه و دستگیری مخالفین، ده‌ها هزار قتل عمد دولتی و به وجود آوردن هزاران معضل اجتماعی بوده است و برای نابود کردن آسایش و آرامش مردم، کوتاهی نکرده است. پرستاران زحمتکش و آگاه تنها راه رهایی از برده‌داری به شیوه نوین، تکیه بر آگاهی و قدرت اتحاد با دیگر اقشار تحت ستم، به پیروزی و نان کار آزادی و برابری خواهند رسید.

**سروناز احمدی، زندانی سیاسی، در زندان اوین دست به "اعتصاب دارو زده" و "جانش در خطر است، صدایش باشیم"**

سروناز احمدی، فعال حقوق کودکان محبوس در زندان اوین که از مشکلات اعصاب و روان رنج می‌برد، در اعتراض به مخالفت با درخواست مرخصی درمانی در هفدهمین روز از اعتصاب خود بسر می‌برد. سروناز با وجود حال نامساعد روحی و جسمی از دریافت داروهای خود و همچنین داروی آرام بخش امتناع کرده، امری که موجب بروز سردردهای مداوم، بی‌خوابی و اسپاسم‌های عضلانی شده است و امکان تکرار این حملات عصبی برای او وجود دارد. سروناز احمدی پیشتر نیز در جریان حمله نیروهای امنیتی به بند نسوان زندان اوین دچار "پانیک اتک" شده و به بیمارستان منقل شده بود. پزشکان پیشتر اعلام کرده بودند که بیماری خانم احمدی مشکوک به صرع است و نیاز به رسیدگی پزشکی مناسب در خارج از زندان دارد. این فعال حقوق کودکان ۱۷ شهریورماه در اعتراض به مخالفت با درخواست مرخصی درمانی و تاخیر در تحویل داروهای مورد نیاز خود، دست به اعتصاب زده است. سروناز احمدی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مددکاری دانشگاه علوم بهزیستی در ولنجک تهران و فعال حقوق کودکان است.

**تداوم محرومیت از ملاقات آنبیسا اسداللهی، فعال کارگری زندانی در زندان اوین، خانواده**

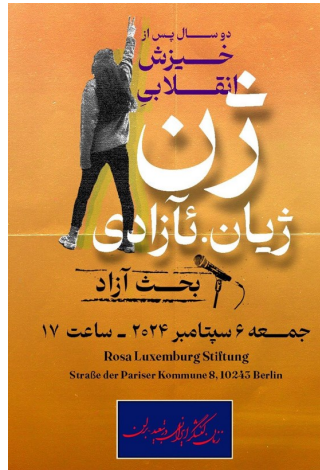
خانم اسداللهی پس از اعتراض به صدور حکم اعدام برای شریفه محمدی، فعال کارگری، و پخش آن عزیز، فعال مدنی، با این محرومیت روبرو شده است. این فعال کارگری همچنین از تیرماه سال جاری تا کنون از ملاقات با وکیلش نیز محروم بوده است. بر اساس این گزارش، آنبیسا اسداللهی پیشتر نیز در اعتراض به اجرای حکم اعدام رضا رسایی از برقراری تماس تلفنی نیز محروم شده بود.



مجموعه گزارشات بزرگداشت دومین سالگرد قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی و تولد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی

<https://rahaizantv.blogspot.com>

برلین - آلمان:



گزارشی به روایت تصویر از جلسه بحث آزاد زنان کنشگران ایرانی در برلین بمناسبت دوساله شدن خیزش انقلابی زن. ژیان. آزادی. این برنامه در تاریخ ۶ سپتامبر در یکی از سالن‌های بنیاد رزالوکزامبورگ برگزار شد. در این جلسه به اشکال مختلف مقاومت زنان، به سه شبیه‌های نه به اعدام که وارد سی و دومین هفته اعتراضی‌اش شده، به مقاومت و مبارزه زنان به حاشیه رانده شده و به ضرورت ایجاد روابط و شبکه برای ادامه مبارزه و حمایت از خیزش انقلابی #ژن\_ژیان\_آزادی،

گوتنبرگ - سوئد:

هانوفر - آلمان:



شعارهایی به آلمانی، اما ترجمه‌اش بقرار زیر است:

- زن، زندگی، آزادی
- ژن، ژیان، آزادی
- ملاها باید بیرون بروند
- اعدامها را متوقف کنید
- زندانیان سیاسی آزاد باید گردند



**فراخوان!**  
 کانون همبستگی با  
 مبارزات انقلابی مردم  
 ایران - گوتنبرگ  
 در دومین سالگرد قتل  
 عمد حکومتی مهسا (ژینا)  
 امینی و در ادامه جنبش  
 «زن-زندگی-آزادی» همراه  
 شویم  
 زمان: ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۴  
 ساعت ۱۴  
 گوتنبرگ، برنس پارکن  
 جنب مجسمه یوحنا  
 شمارهای تماس:  
 FARD SOHRABI: 070276500  
 HABIB SOLTANI: 0707650470

**زن\* زندگی آزادی**

Solidaritetcenter för den iranska revolutionära kampen- Göteborg

سخنرانی هما مرادی از انجمن زنان ایرانی آلمانی کلن در سمینار  
" آسیب شناسی خیزش انقلابی زن زندگی آزادی "



آمریکا، کانادا، اروپا از طریق زوم:

برنامه بزرگ داشت جنبش "زن زندگی آزادی" و دومین سال قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی، توسط اقدام مشترک تشکل های مستقل زنان در تداوم فعالیت های چهارساله خود در روز ۸ سپتامبر سال ۲۰۲۴

لینک وبسایت و سایر صفحات اجتماعی اقدام مشترک تشکل های مستقل زنان <https://linktr.ee/zanancollectiveaction>

ویدئوی کامل جلسه اقدام مشترک تشکل های مستقل زنان با موضوع دوسال پس از خیزش انقلابی زن ژینا نازادی و قتل حکومتی ژینا (مهسا) امینی که دیروز، ۸ سپتامبر ۲۰۲۴ در زوم برگزار شد از فیسبوک و یوتیوب هم همزمان پخش شد. سخنرانان این جلسه آنالین ابتدا کوتاه بحث خود را ارائه دادند و سپس شرکت کنندگان این جلسه نقطه سوالات و نظرات خویش را در رابطه با بحث های ارائه شده با سخنرانان و حاضرین جلسه در میان گذاشتند. هنر مقاومت بویژه هنر دوران خیزش اخیر جایگاه ویژه ای در این برنامه داشت. این جلسه که مورد استقبال بسیار خوبی قرار گرفت، دستاورد ۲۲ تشکل زنان متشکل در اقدام مشترک تشکل های مستقل زنان است که در نقاط مختلف دنیا با حفظ هویت گروهی خویش در کنار هم بیش از ۴ سال است که ایستاده و برای تحقق "رهایی زن، رهایی جامعه" مبارزه میکنند.



<https://www.youtube.com/live/sD2rSRCluFA?si=FkgQ1vJN4hBUjhOx>

اعتراض خیابانی زنان تخار با شعار: "نه به تبعیض و مرگ بر طالبان"

آپارتاید جنسیتی را به رسمیت بشناسد و طالبان را به دلیل نقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر پاسخگو بسازند. «از جامعه جهانی و نهادها و سازمان‌های حقوق بشری می‌خواهیم که با اعمال فشار بر طالبان، نگذارند ادامه ظلم و ستم آن‌ها در حق زنان افغانستان، سبب حذف کامل زنان از روند زندگی اجتماعی گردد. محرومیت زنان از حقوق انسانی‌شان، سبب خلق بزرگترین فاجعه انسانی در افغانستان خواهد گردید و پیامدهای آن منطقه و جهان را در بر خواهد گرفت.»

معترضان همچنان از مردم افغانستان خواسته‌اند که در برابر اقدامات ظالمانه طالبان سکوت نکرده و از مبارزات انسانی زنان برای دسترسی به ابتدایی‌ترین حقوق انسانی‌شان حمایت نمایند.



معترضان با تأکید بر تداوم مبارزات مدنی زنان تا رهایی افغانستان از چنگ طالبان از زنان و دختران نیز خواسته‌اند که تسلیم زور و جبر نشوند و با هوشیاری و جسارت به مبارزات مدنی‌شان علیه ستم و تاریکی ادامه دهند.

این اعتراض زنان در تخار در حالی از سوی طالبان سرکوب شده‌است که هم‌زمان با فرا رسیدن سومین سالروز سقوط کشور به دست گروه طالبان، در شماری از ولایت‌های کشور تدابیر شدید امنیتی برای جلوگیری از اعتراضات گرفته شده‌است.

زنان معترض تخار با صدور یک اعلامیه، علاوه بر اعتراض در برابر تداوم سلطه ننگین گروه طالبان بر افغانستان، گفته‌اند که دستاورد این گروه در این مدت، محرومیت زنان از کار و تحصیل، فقر، بی‌کاری، بازداشت‌های خودسرانه، قتل، غارت، غصب اموال و تجاوز به جان، مال و ناموس مردم بوده که باعث فرار میلیون‌ها شهروند افغانستان از کشور شده‌است.

زنان اعضای جنبش اندیشه نوین روز دوشنبه (۲۲ اسد ۱۴۰۳) در آستانه سومین سالروز سقوط افغانستان به دست گروه تروریستی طالبان، در یک اعتراض خیابانی در تالقان شعارهای «نه به تبعیض و مرگ بر طالبان» «سر دادند. نیروهای طالبان تجمع زنان را اندکی پس از سر دادن شعارهای ضد طالبانی بر هم زدند.

معترضان بهانه این تجمع اعتراضی را درخواست از جامعه جهانی و فشار بر طالبان دست‌مایه قرار دادند تا از تداوم ظلم و ستم بر زنان افغانستان جلوگیری شود. آنان همچنان تأکید کردند که جوامع بین‌المللی

در نوارهای تصویری که از سوی این زنان منتشر شده، آنان همچنان می‌گویند: «ما زنان از تفنگ طالب هراس نداریم و از سایر زنان می‌خواهیم که در این مبارزات با ما همراه باشند. «آنان شعارهای «نان، کار، آزادی» و «زنده باد انسانیت» سر می‌دادند.

«آن که می‌خندد، هنوز خبر هولناک را نشنیده است.» شراره رضایی

ننانیاهو جنایتکاری که رول و نقش منحنی مردم خاورمیانه را بازی می‌کند در حالی که روی #هیتلر را سفید کرده و دستش به خون هزاران کودک و زن در #فلسطین و اکنون در #لبنان اغشته است.

در طول تاریخ نشان داده که هر جا رد پای #آمریکا در خاورمیانه بوده چیزی جز فلاکت و جنگ و بدبختی برای مردم نداشته فلاکت مردم #عراق و #افغانستان نمونه بارز حضور آمریکا بوده است و اکنون #اروپا و #آمریکا سگ هارشان، "ننانیاهو" را در منطقه رها کردند و این جنایتکار لباس منجی و قاضی منطقه را به تن کرده تا به قول خودش منطقه را از دیگر جنایتکاران #حماس و #سران\_حکومت\_ایران پاکسازی کند!

دنیا از این مضحک تر و واران تر دیگر نمی‌شود! و جای تأسف است که بخشی از مردم تنها بدلیل نفرت از حاکمیت ایران، برای این تهدیدهای برای ننانیاهو هورا می‌کشند. ولی بخش وسیعی از #سلطنت\_طالبان و راست افراطی، آگاهانه به جامعه می‌خواهند بگویند که، تنها راه رهایی از #حکومت\_ایران، #انقلاب\_مردم نیست، همانطور که از #جنبش\_زن\_زندگی\_آزادی، دستاوردها و پیشرفت‌ها و پختگی مبارزه حرفی نزدند بلکه در رسانه های مین استریم #اینترنشنال از آن بعنوان "شکست جنبش" یاد شد. آنها می‌خواهند به مردم بگویند که، ناجی را در جای دیگری و با دخالت "آمریکا و اسرائیل" باید جستجو کرد تا در رویایشان به تخت سلطنت بنشینند!

همان‌هایی که در #جنبش\_ژینا، اگر کسی حرفی می‌زد متهم میشد به #تجزیه\_طلبی و ایران، ایران می‌کردند، امروز برای کشتار مردم بیگناه توسط #ننانیاهو فاشیست هورا می‌کشند و این سرنوشت می‌تواند برای مردم ایران هم رقم بخورد.

#راست\_جامعه و #سلطنت\_طالبان هرگز از بخش دیگر (سیاه) عواقبی که برای مردم، بی‌خانمانی، کشتار کودکان و زنان و مردان بیگناه، نقص عضو، ها، گرسنگی و آنچه امروز بر سر میلیون‌ها کودک و مردم فلسطینی و لبنان آمده حرفی به میان نمی‌آورند.

آنچه که دردناک است که گویا دشمن، دشمن من دوست من است. قطعا مرگ هر دیکتاتوری جای خوشحالی دارد ولی به گفته خبرگزاری‌ها تنها در عرض یک هفته در لبنان یک میلیون نفر از مردم آواره شده‌اند و هیچ جایی امنی برای پناه بردن به آنجا وجود ندارند.

شروع جنگ مصادف است با ویرانی شهرها، خانه‌ها، دربدری و بی‌خانمانی، جنایت‌های بیشتر و خون، مرگ و از بین رفتن کل شیرازه جامعه.

قطعا ننانیاهو نه دلسوز مردم #خاورمیانه "ایران" است و نه به فکر آنها، آنچه که او بدنبال‌ش است ثبات و ماندگاری در قدرت است و برای مردم ایران پیشیزی ارزش قابل نیست. نفر بعدی حتی اگر "خامنه‌ای" باشد قطعاً نابودی، تنها به وی و سران حکومت ختم نمی‌شود بلکه به کشتار بی‌رحمانه ی هزاران کودک و مردم ایران و شهرها و تنها یک ویرانه ای از ایران برجا خواهد ماند.

تنها رانجات مردم ایران از دست #حکومت\_جنایتکار\_اسلامی، قدرت مردم و سازماندهی و طبقه ی کارگر است. تنها افق روشن برای رفاه، برابری، آزادی و... #انقلاب\_مردم با تصمیم مردم است.

"آن که می‌خندد، هنوز خبر هولناک را نشنیده است." "برتولت برشت، ترجمه احمد شاملو"



# اطلاعات راه های ارتباط با سازمان رهائی زن، برنامه های تلویزیونی، سایت ها و رسانه هایی که می توانید ما را دنبال کنید

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهائی زن را می توانید از طریق آدرسهای زیر دنبال کنید و با ما همراه شوید.

سایت سازمان رهائی زن

[Rahaizan.org](http://Rahaizan.org)

انتشارات رهائی زن

<https://newsletter.rahaizan.org>

بلاگ آرشیو مقالات ماهنامه رهائی زن

<https://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی، مصاحبه ها و گزارشات

[RahaiZan.tv](http://RahaiZan.tv)

به جنبش رهائی زن بپیوندید

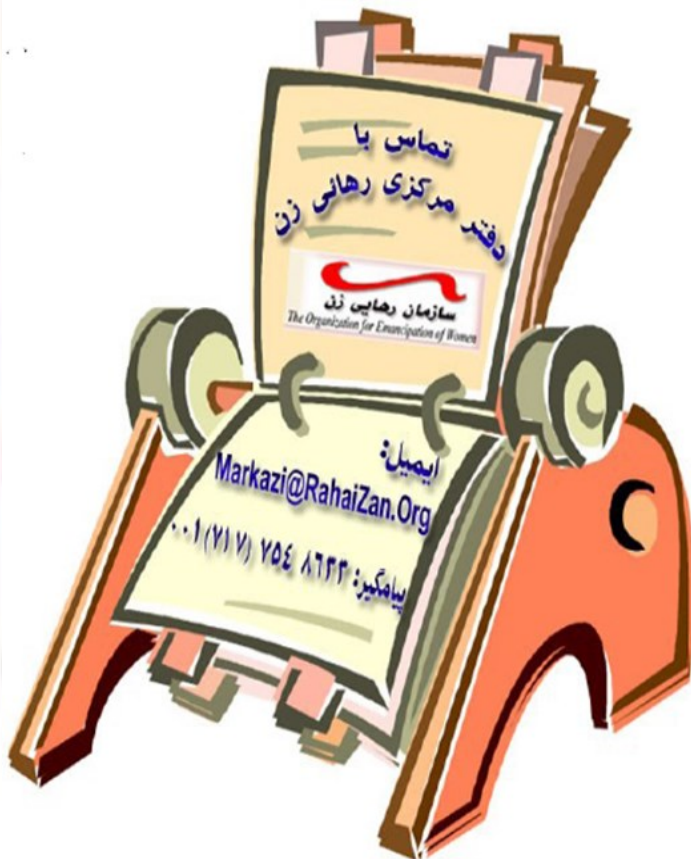
<https://www.facebook.com/groups/jonbesherahizan>

راه های ارتباط با ما

برنامه تلویزیونی رهائی زن از کانال یک "روی ماهواره های یوتل ست ویست پنچش" شود، فرکانس، ساعات

پخش و مشخصات ماهواره در وبسایت زیر به روز می شود

[RahaiZan.tv](http://RahaiZan.tv)



[Markazi@rahaizan.org](mailto:Markazi@rahaizan.org)